

"بسمه تعالی"

Political Institutions and Policy Choices: Evidence from the United States

TIMOTHY BESLEY & ANNE CASE

نهادهای سیاسی و انتخاب‌های سیاست‌ها: شواهدی از ایالات متحده

مهناز استیری

در سال‌های اخیر، تمایل به در کنار هم قرار دادن اقتصاد و سیاست به منظور درک خطمشی افزایش یافته است. این تجدد اقتصاد سیاسی پرسش‌ها و مدل‌های جدیدی را ایجاد کرده است. در حال حاضر، بینش‌های نظریه بازی^۱، نظریه قرارداد^۲ و نظریه طراحی مکانیزم^۳ به درک ما از حوزه سیاسی نفوذ نموده است. به تازگی ادبیات به تئوری توجهی بیشتر از تجربه دارد. این مقاله پیشرفتی که در اقتصاد سیاسی تجربی با استفاده از تنوع قوانین نهادی در سراسر ایالات متحد اتفاق افتاده است را مورد توجه قرار می‌دهد.

ماهیت ادبیات در مثال زیر نشان داده شده است. تعدادی از ایالت‌ها اخیراً قوانینی را تصویب کرده‌اند که ثبت نام رأی‌دهندگان را به ثبت خودرو گره زده است و قوانین "motor-vote"^۴ نامیده می‌شود. هدف ترویج رأی‌گیری است، به ویژه در میان گروه‌های محروم که نرخ مشارکت پایینی دارند. در اینجا می‌توانیم سه سؤال را مطرح کنیم.

- ✓ اول، آیا تصویب چنین قوانینی منجر به مشارکت بیشتر می‌شود؟
- ✓ دوم، آیا این تغییر در مشارکت (اگر وجود دارد) باعث تغییر ترکیب قانون‌گذاران، به عنوان مثال، افزایش تعداد نمایندگان دموکرات‌ها، می‌شود؟
- ✓ سوم، آیا افزایش تعداد دموکرات‌ها (در صورتی که وجود داشته باشد) تأثیری در نتایج سیاست‌ها دارد؟

در اصل، این سؤالات را می‌توان با استفاده از داده‌های موجود تجربی پاسخ داد و ما در مورد پاسخ‌های بحث کنیم. با فکر کردن از طریق این زنجیره‌های تأثیر (همان‌طور که در داده‌ها آمده است)، به تفکر در مورد زمینه‌های نظری مناسب که در آن به درک فرایند سیاست می‌رسد، نیز کمک شایانی خواهد شد.

این مقاله یک گروه نسبتاً ناهمگونی از نهادها را بررسی می‌کند. بنابراین، اصطلاح نهاد باید در معنای وسیع‌تر که توسط داگلاس نورث (۱۹۹۰) به عنوان "محدودیت‌های انسانی طراحی‌شده‌ای است که فعل و انفعالات انسان را ساختار می‌دهد"، درک شود. ما از اصطلاح انتخاب نهادی برای تقدم بر ایده ظریفی از یک قانون مشروطه استفاده می‌کنیم که توسط یک حکم رسمی پیشنهاد شده است. طبق مشاهدات برخی مفسران (مانند آویناش دیکسیت ۱۹۹۶)، این امر در مفاهیمی نظیر نهاد، قانون اساسی و (حتی) سیاست‌ها تفاوت فاحشی ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، در عمل، کسانی که اقتصاد مشروطه را مطالعه می‌کنند، مفهومی وسیع از اصطلاح قانون اساسی را استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، جفری برنان و آلن هاملین (۱۹۹۸) اقتصاد مشروطه را به عنوان مطالعه "قواعد اساسی که ممکن است نظام‌های اجتماعی تحت آن‌ها کار کنند" (ص. ۴۰۱) را توصیف کند.

¹ Game Theory

² Contract Theory

³ Mechanism Design Theory

⁴ دفاتری که ثبت نام انتخابات در آن انجام می‌شود مثل دفاتر پیش‌خوان دولت در ایران

این مطالعه به شواهد مبتنی بر تفاوت‌های نهادی میان ایالتی در ایالات متحده محدود می‌شود که این مسئله منافع و هزینه‌هایی دارد. مسئله اصلی طیف محدود تفاوت‌های نهادی است که می‌تواند در سراسر ایالات متحده مورد توجه قرار گیرد. در حالی که برخی تفاوت‌های جالب و مهم موجود وجود دارد، ویژگی‌های مشترکی نیز دارند که پیامدهای آن‌ها در این روش نمی‌تواند مورد بررسی قرار گیرند. برای مثال، ایالات متحده نمی‌تواند تفاوت بین سیستم‌های انتخاباتی (فرد دارای بیشترین رأی و انتخابات الکتورال) را آزمایش کند. با این حال، وجه اشتراک محدوده نهادی و اساسی خودش دارای مزایایی است. برای ایزوله کردن منبع واقعی تفاوت‌ها، به جای نسبت دادن برخی تأثیرات که در واقع علتشان ناهمگونی شناختی است به یک نهاد خاص، امیدهایی وجود دارد. این کار با استفاده از داده‌های میان کشورها بسیار کارساز است. مزیت دیگری از تمرکز بر ایالات متحده در دسترس بودن طیف گسترده‌ای از مطالعات موجود در تمام جنبه‌های تفاوت‌های نهادی است.

علاوه بر مرور مشارکت‌های اصلی در این حوزه، نتایج تجربی جدیدی را نیز ارائه می‌کنیم. با استفاده از یک مجموعه سازگار از داده‌ها و روش‌ها، این یک دیدگاه بیشتر در مورد مسائل مورد نظر ارائه می‌دهد. همچنین به ما کمک می‌کند تا برخی از مسائل روش‌شناختی را که در استفاده از تنوع نهادی میان ایالتی برای مطالعه نتایج خط‌مشی‌ها وجود دارد، نشان دهند.

اکثر کارهایی که در زیر مورد بحث قرار گرفته، توسط اقتصاددانان ارائه شده است. با این حال، تعداد زیادی از کارهای مربوطه از بخش‌های علوم سیاسی نیز وجود دارد. گرین و شاپیرو از عدم تمایل دانشمندان سیاسی متعهد به انجام آزمایش تجربی انتقاد می‌کنند. این مقاله تا حدی تلاش برای ترویج کارهایی است که انجام شده است. با این وجود از ادبیات موجود مشخص می‌شود که تکامل تئوری و شواهد تجربی در درک نگرش‌های سیاسی نامتعادل است. بسیاری از تست‌های تجربی از تفسیر نتایج از نظر مدل‌ها اجتناب می‌کنند و بنابراین توان پیش بردن مباحثات به مدل‌سازی را ندارند. در طرف دیگر، به نظر می‌رسد بینش‌های نظریه‌بازی، نظریه قرارداد و اقتصاد اطلاعات بدون تحمیل معادلات قابل اثبات، افزایش یابد.

ادامه مقاله به شرح زیر تدوین شده است. بخش بعدی برخی از بحث‌های پیش‌زمینه ادبیات و تکامل اندیشه در حوزه اقتصاد سیاسی را ارائه می‌دهد. بخش ۳ چارچوبی برای مطالعه رقابت سیاسی را توسعه می‌دهد و مفاهیم تجربی آن را برای مطالعه اینکه چگونه نهادهای سیاسی بر پیامدهای سیاست تأثیر می‌گذارند، بحث می‌کنند. بخش ۴ بررسی نحوه ترتیبات نهادی در ایالات متحده را بررسی می‌کند. بخش ۵ مطالعات نهادهایی را که مستقیماً روند نمایندگی سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا بررسی کند که آیا و چگونه آن‌ها بر مشارکت رأی‌دهندگان و نتایج قانونی مانند ایدئولوژی سیاسی و ترکیب حزب قانون‌گذار و حکمران تأثیرگذارند. بخش ۶ بررسی می‌کند که چگونه نمایندگی سیاسی بر خط‌مشی‌های ایالتی تأثیر می‌گذارد، به ویژه در مورد مالیات و هزینه کردن. بخش ۷ تأثیرات نهادی را بر پیامدهای سیاسی تأثیر می‌گذارد، یا از طریق تأثیر مستقیم یا از طریق تأثیر تقریبی‌شان بر نمایندگی. بخش‌های وسطی مقاله ما به دنبال برنامه‌ای است که در شکل ۱ ذکر شده است. بخش ۸ به سؤال درباره نحوه ایجاد و تغییر قوانین نهادی می‌پردازد. بخش ۹ نتیجه‌گیری می‌شود.

در بخش بررسی‌های انجام شده یکی از دیدگاه‌های بزرگ دیگر خط‌مشی‌گذاری، پیشنهاد شده توسط بوچانان، این است که دو مرحله تحلیل را در نظر بگیریم. در مرحله اول، یک قانون اساسی طراحی شده است که دو بخش دارد^۱. یک قانون اساسی، شرایطی را که تحت آن تصمیم‌گیری می‌شود (قوانین انتخاباتی، محدودیت‌های زمانی، تفکیک قدرت و غیره) تعیین می‌کند. و دیگری، قانون اساسی مالی در محدوده سیاست‌هایی که می‌تواند در چارچوب نوع قبل اتخاذ شود. این ممکن است شامل،

¹ Jean-Jacques Laffont (2000)

محدودیت مالیاتی یا اشکال خاصی از هزینه‌های عمومی باشد. پس از تعیین قانون اساسی، خط‌مشی‌ها انتخاب می‌شوند که اگرچه مستقل هستند و نقش کلیدی برای سیاست‌گذار در مرحله اول پیش‌بینی نتایج در مرحله دوم است.^۱

در واقع ما در این مقاله به دنبال این هستیم که تأثیر مقررات نهادی را روی سیاست‌ها درک کنیم. به همین دلیل در این مقاله برای درک مباحث گفته‌شده قوانین نهادی را در دو نوع زیر در نظر گرفته‌اند:

۱. قوانین انتخاباتی^۲: محدودیت‌هایی در مورد اینکه چه کسی می‌تواند رأی بدهد، آیا نمایندگی متناسب استفاده می‌شود و غیره؛ و

۲. قوانین تصمیم‌گیری^۳: استفاده از توتوهای جزئی؛ آیا آژانس‌های خاص مستقل هستند تمایز، با این حال، بسیار دقیق نیست.

بر همین اساس نهادها به سه شکل می‌توانند بر انتخابات تأثیر بگذارند:

۱. تأثیر مستقیم
۲. می‌تواند روی ترجیحات افراد تأثیر می‌گذارد. مهم این است که افراد وقتی رأی می‌دهند بیشتر به کدام گرایش تمایل دارند.
۳. می‌تواند روی فرایند تأثیر بگذارد، هم می‌تواند روی برخی از سیاست‌مداران که خودشان می‌توانند تصمیم گیر باشند نیز تأثیر بگذارد.

در این مقاله با بررسی اجزای فرایند سیاست، انواع بردارهای مؤثر بر مشارکت افراد را مطرح می‌کند:

- بردارهایی که شامل نهادهای سیاست ساز است (محدودیت‌های مالیاتی و هزینه، الزامات برای افزایش مالیات و...)
- بردارهای مجموعه نهادهایی که روشی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از طریق آن انتخابات برگزار می‌شود (نهادهای انتخاباتی)

در بررسی بخش اول این مقاله توجه به این نکته مورد تأیید نویسنده جالب است که حزب‌های متفاوت، هر کدام به شیوه‌ای متفاوت از انتخاب‌های سیاسی حمایت می‌کنند همان طور که ترجیحات سیاسی آن‌ها با هم متفاوت است. تغییرات نهادی نیاز به فرایندهای مستحکم و اساسی دارد.

برای انجام این بررسی، نویسنده از مجموعه داده‌های پنل ایالتی برای ۴۸ ایالت آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ استفاده کرده است.

دو قسمت مهم دیگر در این مقاله که برای بررسی چگونگی تغییر ترتیبات نهادی در ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفت دو بخش: مالیات و مخارج دولت بوده است که تا چه اندازه تعادل و تغییرات این دو عامل می‌تواند بر انتخاب‌های سیاسی اثرگذار باشد.

در واقع در این مقاله از چندین زاویه به نحوه تأثیرگذاری نهادهای سیاسی بر روی انتخاب‌های سیاست‌ها نگاه کرده است:

- نگاه از زاویه دید ایالت‌ها

^۱ تیموتی Besley و استفن کوت (۲۰۰۱) یک مدل بسیار ساده‌ای را ارائه می‌دهند که مسائلی را که ممکن است در طراحی یک قانون اساسی مالی ایجاد شود، نشان می‌دهد.

^۲ electoral rules

^۳ decision-making rules

- یک بار تقسیم آمریکا به جنوبی و شمالی و بررسی آن
- بار دیگر تقسیم ایالات متحده به زن و مرد و بررسی آن

در واقع در ابعاد متفاوت داده‌ها را بررسی کرده است. در این مقاله نهادهای اصلی مورد بررسی شامل:

- ثبت نام رأی‌دهندگان
- انتخاب نامزدها یا قوانین اولیه
- بخش‌بندی مجدد قانون‌گذاری
- تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی

بوده‌اند و پیامدهای سیاسی قابل‌اندازه‌گیری به عنوان متغیر وابسته شامل موارد زیر بوده‌اند:

- کنترل حزب
- رقابت سیاسی
- ایدئولوژی

همچنین بر طبق تحقیقات صورت گرفته در این بررسی، شهروندانی که ثروتمندتر بوده‌اند و دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر احتمال دارد که در رأی‌گیری مشارکت داشته باشند. بعلاوه زمانی که انتخاب‌های کانیدیدا با سوگیری همراه شد، در مشارکت رأی‌دهندگان نیز انحراف مشاهده شده است.

بخش دوم مقاله

۶. نمایندگی سیاسی و پیامدهای سیاست

این بخش رابطه بین نمایندگی سیاسی _ که عمدتاً به وسیله هویت حزب و رقابت سیاسی سنجیده می‌شود _ و پیامدهای سیاست قابل‌اندازه‌گیری را بررسی می‌کند.

این قسمت شامل دو بخش زیر می‌باشد:

۶-۱: نمایندگی حزب

۶-۲: هویت غیر حزبی نمایندگان

۶-۱: نمایندگی حزب

در قالب یک دموکراسی ایده آل، این عقیده وجود دارد که سیاست دولت باید به وسیله ترجیحات شهروندان جهت داده شود. در دموکراسی‌های نمایندگی، عقیده عمومی، سیاست را تنها به شکل غیرمستقیم از طریق نفوذ در هویت تصمیم‌گیرندگان منتخب تحت تأثیر قرار می‌دهد. این‌ها اغلب نماینده احزاب متفاوتی هستند و ایدئولوژی‌های متفاوت این احزاب اغلب انتخاب‌های اصلی انتخاب یک سیاست هستند. یک موضوع کلیدی این است که چطور یک عقیده راهش را به فرایند سیاسی پیدا می‌کند و نقش کلیدی که به منتخبین در شکل دادن به سیاست‌ها داده می‌شود این است که نماینده طیف وسیعی از افکار هستند. البته این مستلزم آن است که مردم رأی بدهند، پیامدی که به وسیله انتخاب‌هایی که افراد در دسترس دارند محدود می‌شوند (که معمولاً شامل دو تا کانیدیدا (یک کانیدیدا از هر حزب) هستند). همان‌طور

که در زیر بحث می‌کنیم بعضی ایالات، فرصت‌های مستقیم بیشتری را جهت نفوذ در سیاست از طریق طرح شهروندی^۱ فراهم می‌کنند.

یک سؤال تجربی مهم باقی می‌ماند درباره اینکه آیا کنترل حزب واقعاً تفاوت‌های سیاسی قابل سنجش را حفظ می‌کند و آیا سیاست‌های ویژه‌ای ظاهر می‌شوند تا به هویت حزب پاسخگوتر باشند. شگفت‌آور نیست که یک ادبیات وسیعی توسعه یافته که تلاش می‌کند بسنجد، چطور فرایند نمایندگی به صورت تجربی کار می‌کند و آیا کنترل حزب، تفاوتی را در تعیین پیامدهای سیاسی ایجاد می‌کند.

به هر حال نیاز است که درباره اینکه چطور کنترل حزب در یک حالت مشخص سنجیده می‌شود، دقیق باشیم، که مؤلفان به روش‌های مختلفی به آن نزدیک شده‌اند. برای سؤالات سنجش که موضوعات درون‌زاد را مطرح می‌کنند و متغیرهای تعصب را حذف می‌کنند. مقالات در ادبیات به نتیجه‌گیری‌های خیلی متفاوتی درباره اهمیت کنترل حزب می‌رسند. شاید این تعجب‌آور نباشد که مطالعات از استراتژی‌های تخمین متفاوت استفاده می‌کنند که بر متغیرهای پیامدهای متفاوت تمرکز دارند که در طول دوره‌های زمانی تغییر می‌کنند و از سنج‌های متفاوت کنترل حزب استفاده می‌کنند.

تحقیقات انجام شده اثر کمی از کنترل حزب (تعداد صندلی‌ها در مجالس سنا و نمایندگان، کنترل بر کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری و دولت، رقابت در انتخابات قانون‌گذاری) بر هزینه‌های عمومی محلی و ایالتی یافته است. در مقابل، کار اخیر تأییدی برای کنترل حزب می‌باشد. نایت (۲۰۰۰)^۲ دریافت که کنترل هر دو خانه (سنا و نمایندگان) به وسیله دموکرات‌ها منجر به نرخ بالاتر مالیات به طور معناداری مرتبط با GDP ایالتی می‌گردد و به‌عکس کنترل هر دو خانه (سنا و نمایندگان) به وسیله جمهوری‌خواهان اثرات متضادی دارد. مطالعه دیگری دریافت که فرمانداران دموکرات و جمهوری‌خواه به شکل متفاوتی به محدودیت‌های دوره‌ای پاسخ می‌دهند دموکرات‌ها بیشتر مایل به افزایش مالیات‌ها و هزینه‌ها تحت شرایط محدودیت دوره‌ای هستند. روگر و روگر^۳ (۲۰۰۰) دریافتند کنترل دموکراتیک در مجالس سنا و نمایندگان هم در شرایط درآمدی و هم هزینه‌ای سنجیده می‌شود. آن‌ها همچنین دریافتند که دولت بخش‌بندی شده با یک حکمران دموکراتیک یک ابزار تعدیل‌کننده مهم است.

در این مقاله همچنین اشاره می‌کند دولت‌های بخش‌بندی شده در پاسخ‌گویی به شوک‌های اقتصادی خیلی خوب عمل نمی‌کنند و نمایندگان دموکرات‌ها اغلب با هزینه‌های عمومی بیشتری هستند و این هزینه‌ها اغلب با افزایش در مالیات جبران می‌شود و این به دلیل گرایش اجتماعی بیشتر در آن‌هاست. و گشاده‌دستی آن‌ها در خصوص برنامه‌های جبران خدمات کارگران ایالتی است.

۱-۱-۶: کنترلی برای ایدئولوژی و عدم تجانس حزب

ناهمگونی دموکرات‌ها و درون‌حزبی بودن آن است. منظور از این بخش این است که یک ناهمگونی درون‌حزبی وجود دارد که نمی‌توانیم تأثیرش را شفاف روی سیاست‌ها بررسی کنیم. هر چه این ناهمگونی درون‌حزبی بیشتر باشد تأثیر حزبی بر سیاست‌های مستخرج از آن دقیق معلوم نمی‌شود و شفاف نیست. بنابراین اگر افکار عمومی هنگام مطالعه این رابطه کنار گذاشته شود در ایالت‌های با رأی‌دهندگان لیبرال بیشتر، هم احزاب لیبرال‌تر می‌شوند و هم اثر کنترل حزب از بین می‌رود. به طور کلی آن‌ها در می‌یابند که روابط بین افکار لیبرالیسم و کنترل دموکراتیک خیلی ضعیف است.

¹ citizens' initiatives

² Brain Knight

³ Diane Lim Rogers & John Rogers

از طرفی با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که ارتباط مستقیمی بین افکار عمومی (ایدئولوژی) و پیامدهای سیاسی وجود دارد. با این وجود ما همچنان در می‌یابیم که متغیرهای حزب دموکراتیک به طور معناداری با هزینه‌ها و مالیات‌های ایالتی همبستگی دارند. به علاوه ما دریافتیم که یک شهروند دولت لیبرال همان‌طور که به وسیله‌ی نمره COPE¹ سنجیده می‌شود به طور معناداری با مالیات‌های ایالتی، هزینه‌های ایالتی، به طور کلی و به طور خاص با هزینه‌های ایالتی برای مساعدت‌های خانوادگی و جبران خدمت کارگران همبستگی دارد. ایالت‌های لیبرال‌تر بیشتر برای مساعدت‌های خانوادگی پرداخت می‌کردند و کمتر برای جبران خدمت کارگران این با این ایده سازگار است که ایدئولوژی مهم است.

۲-۱-۶: شدت رقابت حزب

دلایل نظری خوبی وجود دارد تا باور کنیم که رفتار یک حزب ممکن است به شدت به چالش‌هایی که از سوی احزاب دیگر در ایالت با آن مواجه می‌شود، بستگی دارد. انگیزه برای هدف قرار دادن گروه‌های خاص به این بستگی دارد که چقدر راحت این می‌تواند انتخابات را تغییر دهد.

رایج‌ترین معیار رقابت که در ادبیات علوم سیاسی به کار می‌رود شاخص^۲ Ranney است. این شاخص با در نظر گرفتن موارد زیر محاسبه می‌شود:

- ✓ درصد آرا مردمی برای نامزدهای انتخاباتی احزاب
- ✓ درصد کرسی‌های اختصاص‌یافته به احزاب در قانون‌گذاری ایالتی
- ✓ مدت زمان حاکم به اکثریت مجلس قانون‌گذاری

سنجشی که ما اینجا استفاده می‌کنیم خیلی محدودتر است، فقط مبتنی بر سهم کرسی‌هایی است که توسط هر حزب در مجالس سنا و نمایندگان ایالتی گرفته شده است.

از طرفی بر طبق مطالعات صورت گرفته مشخص شده است که هیچ ارتباط نظری ضروری بین اندازه دولت و شدت رقابت وجود ندارد.

سنجه‌های رقابت چه مبتنی بر تعداد کرسی‌های گرفته شده به وسیله احزاب یا چه مبتنی بر سهم رأی‌های کاندیداها در بخش‌ها، ممکن است سنجه‌های ضعیفی از ترجیحات اساسی رأی‌دهنده به نفع یک حزب به خصوص باشد. همان‌طور که در بالا بحث شد احزاب ممکن است خط‌مشی‌ها یا کاندیدا شان را، برای تقاضای رأی‌دهندگان تغییر دهند به علاوه یک حزب مسلط ممکن است از تقسیم‌بندی مجدد برای فراهم کردن حزب با حاشیه‌های کوچکی از پیروزی در بیشترین تعداد بخش‌ها استفاده کند.

¹ Committee on political education

کمیته آموزش سیاسی؛ منظور جامعه‌پذیری سیاسی افراد، بینش سیاسی افراد نوعی ایدئولوژی، میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی افراد
^۲ این شاخص راهی برای اندازه‌گیری رقابت بین دو حزب بزرگ سیاسی در ایالات متحده توسط Astin Ranney ایجاد شده است. ایشان یک متخصص علوم سیاسی برجسته و یک متخصص در احزاب سیاسی بوده اند. شاخص Ranney امتیازی بین صفر و یک است. صفر: کنترل کامل جمهوری خواهان و یک: کنترل کامل دموکرات‌ها

خطای سنجش که در متغیرهای رقابت استفاده می‌شود اثر رقابت بر انتخاب سیاسی را متعصبانه می‌سنجد. کار بیشتری اینجا مورد نیاز است این ملاحظات در ادبیات تجربی موجود نشان داده نشده‌اند و این خیلی سخت است که بدانیم آیا آن‌ها مشکلات جدی را در کاربرد عملی تحمیل می‌کنند.

۲-۶: هویت غیر حزبی نمایندگان

قانون‌گذاران به وسیله چیزی بیشتر از فقط عنوان حزبشان شناخته می‌شوند. موضوع ویژه میزانی است که زنان و اقلیت‌ها نه فقط به عنوان رأی‌دهنده بلکه همچنین به عنوان قانون‌گذار در فرایند سیاسی وارد می‌شوند برای اینکه این موضوع یک اثر اساسی بر نمایندگی سیاسی داشته باشد این مسئله‌ای باید موردی باشد که شهروندان، تفویض اختیار به شهروندان گروه‌های خاص را جهت پیشبرد اهداف سیاسی ضروری بدانند.

حضور زنان در قانون‌گذاری ایالتی به نظر می‌رسد که باید یک اثر مهم بر سیاست ایالتی داشته باشد.

مرکز تحقیقات سیاسی و خانم‌ها در آمریکا دریافت که زنان به طور متوسط اولویت بیشتری به سیاست‌های مرتبط با کودکان، خانواده و سلامتی می‌دهند. توماس (۱۹۹۴)، در مطالعه ۱۲ مجلس قانون‌گذاری حالتی دریافت که زنان وقت و تلاش بیشتری بر طرح‌های مرتبط با موضوعات خانوادگی می‌گذارند. کیس (۱۹۹۸) با استفاده از پنل داده‌های دولتی آمریکا از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۱ نشان داد به میزانی که سیاست‌های تقویت حمایت از کودک در یک ایالتی شدت می‌گیرد تعداد قانون‌گذاران زن در آن ایالت افزایش می‌یابد. با کنترل اثرات ثابت دولتی و اثرات سالیانه و متغیرهای اقتصادی متغیر سطح ایالت، محقق دریافت که تعداد قانون‌گذاران زن به طور معناداری با تصویب چندین قوانین حمایت از کودک مرتبط است. کیس و بسلی (۲۰۰۰) با استفاده از پنل داده‌های ایالتی از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۸ دریافتند که بخشی از زنان در مجالس سنا و نمایندگان ایالتی به طور خیلی زیادی پیش‌بینی کننده سیاست جبران خدمت کارگران ایالتی هستند.

۷. سیاست و نهادها

در این بخش ما به اثر نهادهای سیاسی بر پیامدهای سیاسی به طور مستقیم توجه می‌کنیم — برای مثال زمانی که داشتن آیتم و تو قدرت چانه‌زنی حکمران ایالتی را افزایش می‌دهد. همچنین ممکن است اثرات غیرمستقیم مهمی وجود داشته باشد — مثل وقتی که نهادها ایدئولوژی ترکیب و یا کنترل مجلس قانون‌گذاری ایالتی همراه با موارد بحث شده در قسمت قبل را تغییر می‌دهند.

۱-۷: دموکراسی مستقیم

این نوعی نظام است که مردم مستقیماً به تصمیمات حکومت مانند قبول یا رد قوانین رأی می‌دهند و از طریق طرح شهروندی در فرایند پیشنهاد برای طرح‌ها و لوایح جدید مشارکت می‌کنند. تفاوت این نظام با نظام‌های دموکراسی معمول فعلی در جهان این است که مردم نماینده برای تصمیم‌گیری (مثلاً نماینده قوه مقننه برای تصویب قوانین) انتخاب نمی‌کنند. بلکه هر قانون مستقیماً به رأی مردم گذاشته می‌شود و هر شهروند در موضوعاتی که مورد علاقه اوست، از حق رأی خود استفاده می‌کند.

طرح شهروندی هم در علوم سیاسی نوین، روشی برای بررسی رسمی پیشنهاد شهروندان در مجاری قانون‌گذاری است. در این روش طوماری با یک درخواست توسط یک شهروند یا یک سازمان ایجاد می‌شود و در صورتی که حدنصابی از

¹ Sue Thomas

² Case

³ Besley & Case

امضاهای قابل قبول برای طومار جمع شود، قوه مقننه ملزم به بررسی رسمی این پیشنهاد است. طرح (ابتکارات) شهروندان یک ابزار برای آوردن سیاست با افکار عمومی است.

این یک باور عمومی نیست. بعضی، مانند دیوید برادر (۲۰۰۰)، نگران هستند که رأی‌دهندگان به راحتی تحت تأثیر تبلیغات غلط قرار می‌گیرند؛ در این صورت روند طرح‌های شهروندی در ایالات متحده ممکن است در واقع قدرت میان خاص را افزایش دهد. از دیدگاه رفاه، نگرانی نیز وجود دارد که طرح‌های شهروندی منجر به ایجاد اختلافات میان اقلیت‌ها می‌شود و با شهروندان مجبور به انتخاب مسائلی می‌شوند که در آن‌ها مورد آزار قرار گیرند. لکن برخی تحقیقات نشان داده که طرح شهروندی ممکن است روی هزینه‌های دولت تأثیر گذاشته و آن را افزایش دهد و در نهایت منجر به بزرگ‌تر شدن دولت شود.

۷-۲: پاسخگویی انتخاباتی

یک مسئله مهم این است که چگونه رأی‌دهندگان، سیاست‌مداران را به خاطر عملکردشان پاسخگو نگه دارند. به خصوص در زمانی که عملکرد اقتصادی مناسب نیست و افزایش مالیات اتفاق افتاده است. یکی از ویژگی‌های کلیدی این مدل‌ها این است که رأی‌دهندگان تصمیمات رأی‌دهی خود را بر رفتار حاکم یا برای جلوگیری از مشکلات اخلاقی و یا برای همسو کردن سیاستمداران با ویژگی‌های مطلوب قرار می‌دهند. از این رو، انتظار داریم که رأی‌دهندگان شاخص‌های تلاش ضعیف را مجازات نمایند و در مقابل شاخص‌های تلاش قوی را پاداش دهند.

همچنین پاسخگویی انتخاباتی می‌تواند به گسترش شهرت یک حزب در طول تاریخ احزاب و فرمانداران کمک کند. عملکرد نسبی انتخاب شونده‌گان در این بخش می‌تواند عامل تعیین‌کننده مهمی برای موفقیت در انتخابات باشد. با توجه به پاسخگویی انتخاباتی، باید انتظار داشته باشیم که موفقیت‌های حاکم همسو با سیاست‌های اقتصادی همسایه‌ها و شرایط اقتصادی باشد. بنابراین تعریف اینکه رأی‌دهندگان به تغییرات در اقتصاد پاسخ می‌دهند، به طور گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف تجربی مستند می‌شود. رأی ایالات متحده، این به معنای پیوند نتایج رأی‌گیری به شاخص‌های کلی سلامت اقتصادی در سطح دولت است.

یکی از موارد امیدوارکننده این است که شواهدی از اینکه پاسخگویی انتخاباتی به عنوان شاخص عملکردی متغیرهای سیاست بررسی می‌شود، وجود دارد. در اصل به نظر می‌رسد به صورت آزمایشی تحقیقاتی در این خصوص که موفقیت در انتخابات در انتخاب سیاست‌های گذشته تأثیرگذار بوده است در حال انجام است. برای مثال برای فرمانداران موفقیت انتخاباتی می‌تواند به عنوان یک متغیری اندازه‌گیری شود که آیا مجدداً انتخاب خواهند شد یا خیر؟ و موردی بعدی این است که به نظر می‌رسد این پاسخگویی انتخاباتی می‌تواند به یکپارچگی و اتحاد درون‌حزبی کمک شایانی نماید.

علاوه بر این، پاسخگویی باید در انتخابات مربوط به حکومت مشخص‌تر باشد، جایی که یک عامل تنها می‌تواند مورد سرزنش قرار گیرد، نه در انتخابات مجلس، جایی که سرزنش کردن گروهی سخت‌تر است.

به هر حال به نظر می‌رسد برای نتیجه‌گیری قطعی دادن در این خصوص نیاز به تحقیقات بیشتری هست و جزییات زیادی در مورد نحوه تأثیرگذاری نهادها بر فرایندی که رأی‌دهندگان بخواهند پاسخ سیاست‌مداران را در مورد عملکردشان بشنوند، مورد توجه قرار نگرفته است.

۷-۳: محدوده حوزه انتخاباتی

منظور هر دفتری که در آن انتخابات برگزار می‌شود به جز دفتر حزب سیاسی نیست. در واقع در این قسمت شکل درونی ایالات و احزاب را به صورت سیاسی بررسی می‌کند اینکه مثلاً داشتن یک مجلس قانون‌گذار یا یک مدیر اجرایی مستقل و یا این که یک قوه قضاییه مستقل دارند یا نه (قضات انتخاب شده یا منصوب)... چارچوب قوانین تنظیم‌کننده در هر ایالات. اینکه آیا قانون‌گذاران مطابق با رفتار تضمین‌کننده ایدئولوژی افراد انتخاب‌کننده خود عمل می‌کنند یا خیر و بررسی تأثیر آن بر انتخاب‌های سیاسی از موضوعات مورد بحث در این بخش هست.

۷-۴: محدودیت‌های دوره‌ای

ایالات آمریکا نیز این مسئله بررسی می‌کنند که آیا آن‌ها مقامات منتخب را به عنوان محدودیت دوره‌ای در نظر می‌گیرند یا خیر. نوعی از این محدودیت برای فرمانداران در حدود نیمی از ایالات وجود دارد، و یک مسئله کلیدی این است که آیا ما باید انتظار چنین محدودیت‌هایی را داشته باشیم تا بر نتایج سیاست تأثیرگذار است یا خیر؟

محققان کیس و بیسلی (۱۹۹۵) چارچوبی را در نظر می‌گیرند که در آن محدودیت‌های دوره‌ای انگیزه‌های سیاستمداران برای ایجاد اعتبار و شهرت را تغییر می‌دهد. یک راه برای بررسی محدودیت‌های دوره‌ای، استفاده از داده‌های مقطعی^۱ است، که به تفاوت‌های دائمی در سیاست‌ها در کشورهایی می‌پردازد که چنین محدودیت‌هایی دارند.

مطالعات حاکی از آن است که مدت زمان انتصاب افراد هم در رفتار نمایندگان تأثیرگذار است. همچنین محققان دریافته‌اند که انواع اقدامات سیاسی تحت تأثیر محدودیت‌های زمانی قرار دارند و به طور خاص مالیات‌ها و هزینه‌های دولت در دوره دوم منتخبین بالاتر است. به نظر می‌رسد فرمانداران ایالات در دوره اول بیشتر به کارهای اجرایی دست خواهند زد. ادبیات در این حوزه تا به امروز محدودیت‌های دوره‌ای را به عنوان عامل بیرونی تلقی می‌کرد، با این حال، تغییرات در چنین محدودیت‌هایی در طول زمان رخ داده است. سؤال اصلی در این قسمت این است که آیا این موضع می‌تواند به عنوان یک متغیر رفاهی برای رأی‌دهندگان توجیه شود با توجه به اینکه این محدودیت‌های زمانی ممکن است بر انگیزه افراد تأثیر منفی نیز داشته باشد؟

۷-۵: نهادهای بودجه‌ای

به نظر می‌رسد که مرکزیت غالب منابع مربوط به انتخاب عمومی این ایده است که قانون اساسی مالی باید انتخاب‌های سیاست نمایندگان منتخب را محدود کند. نهادهای بودجه‌ای محکم و سخت‌تر عموماً با این مفهوم که دولت‌ها تمایل دارند که نسبت به تقاضا و آرزوهای رأی‌دهندگان بسیار سخاوتمند باشند، انگیزه می‌گیرند.

جالب توجه است که تعدادی از نهادهای بودجه‌ای محدودکننده که در حال حاضر مشاهده می‌شوند، توسط طرح شهروندی تحمیل شدند که منجر به شدت گرفتن مفهوم شورش عامیانه در برابر ولخرجی و فریبکاری^۲ دولت بوده است.

شش دسته نهاد اصلی که در اینجا بحث می‌کنیم، به شرح زیر است:

✓ محدودیت‌های مالیاتی و هزینه

¹ Cross Sectionally

یک نوع مطالعه مشاهداتی است که داده‌ها را از یک جمعیت یا یک زیر مجموعه به عنوان نمونه، در یک نقطه خاص در زمان - یعنی داده‌های مقطعی - تجزیه و تحلیل می‌کند.

² Profligacy

به شیوه‌ای غیر اخلاقی عمل کردن، مثلاً پول دولت را برپا پروژه‌های شخصی صرف می‌کند یا اینکه پول را بیش از حد آزادانه خرج می‌کند.

محدودیت‌های شاخص در رشد درآمدها یا هزینه‌ها (مثلاً نرخ رشد جمعیت)، الزاماتی که رأی‌دهندگان همه مالیات‌های جدید را تأیید می‌کنند، الزامات اکثریت قاطع که نیاز به مقداری بین سه پنجم تا سه چهارم مجلس قانون‌گذاری برای تأیید افزایش مالیات دارد.

✓ الزامات بودجه متعادل و محدود کردن قوانین انتقال

اقداماتی برای محدود کردن توانایی مقامات منتخب برای جلوگیری از کمبود مالی. برخی از اقداماتی از این شکل را دارند. با این حال، تفاوت در نحوه اجرای قوانین وجود دارد. ضعیف‌ترین شکل محدودیت، مستلزم آن است که فرماندار بودجه‌ی متعادلی را ارائه دهد (۴۴ ایالت). در این مورد نیازی نیست که بودجه‌های متعادل توسط مجلس قانون‌گذاری تصویب شود (در ۳۷ ایالت).

✓ محدودیت‌های مربوط به صدور بدهی دولت

بر اساس تحقیقات صورت گرفته محدودیت‌های افزایش بدهی عمومی چهار دسته اصلی دارد. حالت افراطی ممنوعیت‌های کامل در مورد بدهی طولانی‌مدت تضمین شده است. حتی اگر هیچ ممنوعیتی وجود نداشته باشد، برخی از ایالت‌ها نیاز به تأیید همه‌پرسی دارند. ضعیف‌ترین محدودیت‌ها بر مبنای درآمد و یا نوعی از الزامات اکثریت قاطع در مجلس قانون‌گذاری است.

✓ حق وتوی جزئی (line-item) برای فرماندار دولت

یعنی به جای وتوی کل بودجه، موارد خاص را از بودجه حذف کنند. این امر، در تئوری، باعث افزایش قدرت چانه‌زنی فرماندار در روند بودجه می‌شود. انتظار داریم که این مورد زمانی که ترجیحات مجلس قانون‌گذاری و فرماندار متفاوت است مهم‌ترین مورد باشد.

✓ شفافیت بودجه

روش‌های بودجه‌ی ایالت در چند بعد از جمله میزان حسابداری بودجه در سطح یک‌ساله یا چندساله، اینکه آیا از استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی کلی حسابداری استفاده می‌کنند و اینکه آیا از معیارهای عملکرد عمومی در دسترس استفاده می‌کنند متفاوت است. برخی از محققان شاخصی برای ایالات متحده بر اساس شاخص‌های مختلف انجمن ملی حسابداران بودجه دولتی و کنفرانس ملی مجلس قانون‌گذاری دولتی ایجاد کردند. هدف این شاخص ثبت شفافیت کلی فرایند بودجه دولت است.

✓ انسجام بودجه

ایالات از نظر سطحی که در آن فرایند بودجه در میان کمیته‌های مختلف تقسیم می‌شود متفاوت است. تقریباً نیمی از ایالات مسئولیت صرف هزینه را بین تعدادی از کمیته‌ها تقسیم می‌کنند به جای اینکه یک کمیته متمرکز تخصیص داشته باشند. همچنین سطحی که ایالات در آن کمیته‌های مالیات و هزینه‌ی جداگانه دارند متفاوت است.

روبن ۲ (۱۹۹۷) و نایت ۳ (۲۰۰۰) هر دو به طور جدی این ایده را مطرح می‌کنند که محدودیت‌های مالیات و هزینه و/یا الزامات مجلس قانون‌گذاری به صورت درونی تعیین می‌شود. بسیاری از آن‌ها نسبتاً جدید هستند و به نظر بعید است که

¹ partial veto

² Rueben

³ Knight

معرفی آن‌ها به تاریخ سیاست مالی در حالتی که مورد بحث است بیرونی باشد. هر دو نویسنده پیشنهاد می‌کنند که دسترسی به قانون‌گذاری مستقیم ابزاری برای نهاد بودجه و تخمین مدل‌های دو مرحله‌ای حداقل مربعات که از این استفاده می‌کنند است.

بررسی پوتربا^۱ (۱۹۹۷) روی منابع موجود، او را به این نتیجه می‌رساند که نهادهای مالی مهم هستند، اما مطالعات تا به امروز راهنمایی کمی را در مورد اینکه قوانین ضد کسری محدودکننده‌تر باعث کاهش مخارج یا مالیات می‌شود، ارائه می‌دهند.

به طور کلی، شواهدی که پیش از این ارائه کردیم، در کنار منابع موجود، از توافق در حال ظهوری حمایت می‌کند که رفتار دولت می‌تواند تحت قوانین بودجه قرار گیرد. با این حال، فرم دقیق قوانین مهم است.

۶-۷: تأثیر غیرمستقیم قوانین نهادی

بحث نظری تمایزی را بین قوانین نهادی که بر فرآیند سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد و آنچه که عمدتاً بر پیامدهای انتخابی تأثیر می‌گذارد، پیشنهاد می‌کند. نهادهایی مانند مراحل اول انتخابات باز، قوانین ثبت‌نام رأی‌دهندگان و محدودیت‌های مربوط به تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی به احتمال زیاد نمونه‌هایی از نهادهایی هستند که روش‌هایی که از طریق آن انتخابات برگزار می‌شود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ممکن است به نوبه خود بر استراتژی‌های تعادلی انتخاب‌شده توسط احزاب تأثیر بگذارد. پس از آن انتظار داریم که تأثیر این متغیرها بر سیاست، از طریق تأثیر آن‌ها بر پیامدهای انتخاباتی مانند رقابت احزاب یا نظارت دموکراتیک مجلس قانون‌گذاری تعدیل شود.

ما این بحث را فقط برای تفسیر بیان می‌کنیم. با این وجود بر این باور هستیم که به طور کلی این نوع تمرین ممکن است برای تحلیل درستی و چگونگی تأثیر چشم‌انداز سیاسی قانون‌گذاری بر انتخاب سیاست مفید باشد. برای بسیاری از تحلیل‌ها، قوانین نهادی منبع از تفاوت‌های خارجی در کنترل سیاسی فراهم می‌کنند که می‌تواند برای تحلیل این‌که چگونه سیاست‌ها در پاسخ به ماهیت قانون‌گذاری تغییر می‌کنند مورد استفاده قرار گیرد. در تمام این تحلیل‌ها، مهم این است که چگونگی تنظیم قوانین نهادی بررسی شود - موضوعی که در بخش بعدی به آن باز می‌گردیم. به طور قابل توجهی، این تمرین نشان می‌دهد که محدوده‌ای برای تحمیل ساختار نظری بزرگ‌تری در مورد مسئله وجود دارد تا بتواند اثرات نهادها بر نتایج را تحلیل کند و آن ساختار را به صورت تجربی آزمایش کند.

۸: نهادهای درونی

فرض مشترک در گستره‌ی غالب مطالعات سطح ایالتی این است که نهادها خارجی هستند. این مطلب کم و بیش قابل قبول است و بستگی به قالب زمان و مسائل مورد بحث دارد. درونی بودن واقعاً تنها بخشی از مجموعه‌ی گسترده‌تر نگرانی‌ها در مورد احتمال این است که نهادها با متغیرهای حذف شده ارتباط دارند و امید است که اثرات ثابت دولت و متغیرهای سطح ایالت زمان متغیر تفاوت‌های ایالات را که نهادها و سیاست را تعیین می‌کنند ثبت کنند.

حتی اگر نهادها در طول زمان تغییر نکنند، تضمینی وجود ندارد که با آن‌ها به عنوان عامل بیرونی رفتار شود. علاوه بر این، همان‌طور که در مطالعه ما از طرح‌های شهروندان مشاهده کردیم، کنترل منابع ناهمگون غیرقابل رؤیت با اثرات ثابت دولتی در زمانی که نهادها در طول زمان ثابت شده‌اند، دشوار است. بنابراین، تمایز بین یک اثر نهادی حقیقی و احتمال اینکه سلیقه پیشگامی شهروندان و مالیات هم‌بسته باشند، دشوار است.

¹ Poterba

اصلاحات نهادی قطعاً یکی از راه‌های تلاش برای تأثیرگذاری بر پیامدهای سیاسی آینده است. یکی از مهم‌ترین مواردی که در این مورد موضوعی است، محدودیت‌های مالیاتی و هزینه‌ای است که اخیراً نسبت به آن‌ها اتخاذ شده است و ممکن است در ایالت‌های دارای سابقه هزینه‌های بالا مورد توجه قرار گیرد.

روبن (۱۹۹۷) و نایت (۲۰۰۰) هر دو از طرح‌های شهروندی را به عنوان ابزار محدودیت‌های مالیات و هزینه‌ها و الزامات فوق‌العاده بزرگ استفاده می‌کنند. در عین حال چند مشکل وجود دارد:

- اول، به دلایلی که ما در خصوص رفتارمان با طرح‌های شهروندی در بالا بحث کردیم، اثرات ثابت را نمی‌تواند شامل شود و این یک نادیده گرفتن مهم قلمداد شود.
- دوم، در تدوین ابزارهای دقیق از نهادهای دیگر، باید فرض کنیم که نهاد مورد استفاده به عنوان یک ابزار، غیرقابل مشاهده در معادلات سیاست بدون ارتباط است.

همان‌طور که در بالا بحث شد، برخی از محققان در سال ۲۰۰۱ بیان می‌کنند که قوانین مالی مبارزات انتخاباتی به صورت درونی انتخاب شده‌اند تا به نفع افراد مورد نظر انتخاب شوند. آن‌ها از آموزش و پرورش دولتی به عنوان یک ابزار استفاده می‌کنند و این نشان می‌دهد که در ایالت‌هایی که رأی‌دهندگان تحصیلات بیشتری دارند، محدودیت‌های کمتری را برای محدودیت‌های کمپین انتخاب می‌کنند.

۹: نتیجه‌گیری

ایالات آمریکا فضای خوبی برای مطالعه سیاست‌ها هست چرا که ما مطالعات زیادی بین ایالتی در آنجا انجام داده‌ایم. آن‌ها مجموعه داده‌ای را ایجاد کرده‌اند که تفاوت‌های بین نهادهای سیاسی را در کشورهای مختلف مدل می‌کند. آن‌ها به طور خاص به مدل‌های متفاوتی از جدایی قدرت‌ها توجه کرده و تا حدی که سیستم‌ها نسبت به نمایندگی متناسب نزدیک‌تر هستند.

به غیر از نکات دقیق موجود در مطالعات فردی، پنج درس کلی زیر ظاهر می‌شوند.

- ✓ اول، فرآیندهای انتخاب کاندیداها و دستیابی به رأی به‌شدت با الگوهای بازنمایی سیاسی هم‌بسته هستند. این باید دیدگاه بدبینانه را از بین ببرد که انتخابات نقاب و حجابی است که بسیار کم تأثیر می‌گذارد.
- ✓ این پیام توسط دومین مشاهده قوی - که کنترل و هویت حزب را کنترل می‌کند، تقویت می‌شود. تلاش‌های اولیه برای تعیین کمیت این نتایج ترکیبی به دست آمد. با این حال، ادبیات و یافته‌های اخیر نشان می‌دهد که در این رابطه کمی تردید باقی مانده است.
- ✓ سومین یافته قوی ما این است که انتخابات نقش کلیدی در دستیابی به دارندگان صلاحیت پاسخگویی ایفا می‌کند که با انتخاب مجدد رفتار متفاوتی ندارند.
- ✓ چهارم اینکه، ما این یافته را برجسته می‌کنیم که تلاش‌ها برای تقویت سیاست‌گذاران از طریق محدودیت‌های اعمال شده بر مالیات‌ها و هزینه‌ها به‌شدت با تفاوت‌ها در رفتار مالی هم‌بسته هستند. این امر حاکی از آن است که برنامه انتخاب عمومی اصلی، که بر چگونگی طراحی مجدد قانون اساسی مالی متمرکز است، زمانی که موضوعات در این حوزه مورد آزمایش قرار می‌گیرند، بدون ماده اصلی نیست.
- ✓ در نهایت، داده‌ها در انواع مختلفی بیان می‌شوند که تفاوت‌های تجربی بین عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای انتخابات برای فرمانداران و قانون‌گذاری وجود دارد. به نظر می‌رسد این یک حوزه برای دقیق‌تر کردن مطالعات در این موارد و توسعه مفاهیم نظری در جزئیات بیشتر باشد.

با نگاه به اقتصاد کاربردی، مطالعه تجربی فرآیندهای سیاست چالش‌ها را نشان می‌دهد. در حالت ایده‌آل، دستور کار تجربی جهت مدل‌سازی نظری را ارائه می‌دهد. در یک سطح عمومی، مدل رأی‌دهنده میانه^۱، نیروی کارا برای مدل‌سازی اقتصادی بسیار سیاسی بیش از یک نسل، پشتیبانی تجربی کمی دریافت می‌کند.

این موضوع به طور غیرمستقیم توسط دو مورد از یافته‌های کلیدی این مقاله رد شده است. اول اینکه، به نظر می‌رسد که نهادها بر ارتباط بین ترجیحات و سیاست شهروندان تأثیر می‌گذارند. دوم، هویت نمایندگان، مانند جنسیت و وابستگی حزبی آن‌ها در این خصوص نیز اهمیت دارد.

¹ Median Voter Theorem

یک سیستم رأی‌گیری اکثریت را معرفی می‌کند که اغل توسط رأی‌دهندگان میانه ترجیح داده می‌شود. این تئوری نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان انگیزه ای برای رأی دادن به اولویت‌های واقعی خود دارند، این سیستم بر دو فرض اصلی استوار است:

۱. تئوری فرض می‌کند که رأی‌دهندگان می‌توانند تمام گزینه‌های انتخابات را در امتداد یک طیف سیاسی یک بعدی قرار دهند (اما اغلب این مورد صدق نمی‌کند، مثلاً در یک همه‌پرسی یا فراندوم گزینه‌های پیشنهادی ممکن است بیش از یک مسئله را پوشش دهند).
۲. تئوری فرض می‌کند که اولویت‌های رأی‌دهندگان یک جایگزین دارند که بیش از هر چیز دیگری ترجیح می‌دهند و اینکه رأی‌دهندگان همیشه رأی می‌دهند.